

نگاهی به تاریخچه کودتا از نیمه قرن بیستم به این سو

قرن کودتا

رفته آمریکای لاتین: کودتا هم می‌تواند با درد و سرکوب باشد و هم بی‌سروصدا و خونریزی و حتی گاهی هم با حمایت مردمی. کشور خودمان دو کودتای موخش از سر گذرانده که زخم تا اکنون گشوده‌اش، تصویر شوم کودتا را برآیمان روشن و تازه نگه داشته است. از دیدگاه ساموئل هانتینگتون، کودتا تنها در دو صورت موفق خواهد بود. یا فعالان سیاسی در جامعه باید کم‌شمار باشند، یا کودتا باید به تأیید بخش قابل توجهی از فعالان سیاسی برسد.
اتلاف اکثریت فعالان سیاسی برای حمایت از کودتا تقریباً امکان‌ناپذیر است، از این‌رو شرط دوم کم رخ می‌دهد. تقسیم قدرت نیز در کودتا میان گروه‌های سیاسی به سختی صورت می‌گیرد. در

غیاب این شرایط، کودتا به شکست یا جنگ داخلی می‌انجامد. یک ویژگی اساسی کودتا این است که اگر موفق نشود در مدت زمان نسبتاً کوتاهی تمام مقاومت در برابر خودش را به‌نحوی موفقیت‌آمیز سرکوب کند، شکست خواهد خورد. از این‌رو است که خشونت پس از کودتا علیه مخالفان این همه، بی‌واسطه و مستقیم صورت می‌گیرد. به تدریج از قرن ۲۰ که وارد قرن نو شدیم، شیوه‌هایی چون انقلاب‌های کلاسیک کم‌رنگ شد ولی کودتا همچنان صورت می‌گیرد و جذابیت خودش را از دست نداده است. در ادامه از میانه قرن بیستم به این‌سو، شرح مختصری از مهم‌ترین کودتاهای عصرمان را بر خواهیم شمرد.



سال	ارز
۱۹۵۲	• کودتای نظامی در مصر که پادشاهی را سرنگون کرد. • بنایستای کودتای بدون خونریزی در کوبا ترتیب داد که دولت دموکراتیک این کشور را سرنگون کرد.
۱۹۵۳	•کودتای آمریکایی– انگلیسی که به سرنگونی دولت محمد مصدق در ایران منجر شد.
۱۹۵۵	کودتا در پاکستان به رهبری غلام محمد با حمایت ژنرال ایوب‌خان که به انحلال پارلمان قانون اساسی منجر شد.
۱۹۵۷	کودتای نظامی در آرژانتین موسوم به انقلاب آژ آدساری، رئیس‌جمهور ریخوآهان دومینگو، پرون را سرنگون کرد.
۱۹۵۷	ارتش کلمبیا با پشتیبانی شورش و اعتصاب دانشجویان گوستاو دوخاس پینینا را سرنگون و قدرت را به خوتای نظامی دولسینکلیا و رییس آن گابریل پاریس گوردیلیو سپرد.
۱۹۵۸	سه هفته تظاهرات در ونزوئلا به سرنگونی مارکوس پرز خیمه نز و به قدرت رسیدن ولفگانگ لاراز ابل، فرمانده نیروی دریایی انجامید.
	کودتای نظامی در پاکستان به رهبری ژنرال ایوب‌خان دولت را سرنگون کرد. • ایوب‌خان پس از پیروزی در یک همهپرسی تقلبی رئیس‌جمهور شد.
	کودتای نظامی در عراق، نظام سلطنتی را سرنگون کرد.
	کودتای ژنرال ژاککاسو در فرانسه که از الجزایر سازماندهی شد و تهدید کرد به پاریس حمله خواهد کرد مگر اینکه شارل دوگل به قدرت برسد.
۱۹۶۰	کودتای نظامی در ترکیه •کودتای نظامی در جمهوری دموکراتیک کنگو
۱۹۶۱	کودتای نظامی در کرهجنوبی به رهبری پارک شانگهی که دومین جمهوری کرهجنوبی را برپنداخت و شور ایعالی بازسازی ملی را بنا کرد.
	کودتای نظامی در آرژانتین که منجر به سرنگونی آرتورو فروندیزی رئیس‌جمهور این کشور شد.
۱۹۶۲	کودتای نظامی علیه ژان بوش، نخستین رئیس‌جمهوری دومینیک که با انتخابات آزاد بر سر کار آمده بود. خوتای نظامی تا سه سال قدرت را به دست داشت.
	کودتای نظامی در برمه که طی آن ژنرال «نی وین» دولت دموکراتیک «یو نو» را سرنگون کرد.
۱۹۶۳	کودتای نظامی در عراق که رهبران حزب بعث در بغداد آن را رهبری کردند و دولت ژنرال عبدالکریم قاسم طی آن، سرنگون شد. قاسم دستگیر و تیرباران شد.
۱۹۶۴	•پس از کودتای نظامی علیه خواگوارت، هامبرتو کاستلو برانکو در برزیل جای او را گرفت.
	رئ‌ته باریتتوس، معاون رئیس‌جمهور به همراهی ژنرال آلفردو اوندو، دولت بولیوی را سرنگون کردند.
	نخستین کودتای نظامی در نیجریه که نخستین دولت دموکراتیک این کشور را ساقط کرد. ژنرال جانسون گوبری–ایرونسی در پی این کودتا رییس دولت شد.
۱۹۶۶	• در یک کودتای بی‌خونریزی، شیخ‌زاید بن‌سلطان آل‌نهیان، جای برادر خود را گرفت و حاکم ابوظبی شد.
	• کودتای نظامی در آرژانتین که طی آن رئیس‌جمهور آرتورو ایلیا توسط نیروهای نظامی تحت رهبری ژنرال خوان کارلوس اونگانیا سرنگون شد.
۱۹۶۷	کودتای نظامی در توگو که حکمیت ۳۱ساله ناسیسن گابه ایادما را به دنبال داشت.
۱۹۶۸	کودتای نظامی در عراق که حزب بعث را به قدرت رساند.
۱۹۶۸	کودتای ژنرال معمر قذافی که پادشاهی در لیبی را پایان داد.
۱۹۶۹	• در پاکستان، ژنرال یحیی‌خان، ژنرال ایوب‌خان را که خود با کودتا به قدرت رسیده بود، وادار کرد قدرت را به او واگذارد کند.
۱۹۷۰	• کودتای حافظ اسد در سوریه • کودتای ضد چپ در بولیوی
	• طرح کودتا توسط ایالات متحده در شیلی با هدف جلوگیری از به قدرت رسیدن سالوادور آلنده در شیلی
	• کودتای نافرجام روبرتو سوپور علیه سالوادور آلنده در شیلی
۱۹۷۳	کودتای ژنرال پینوشه علیه سالوادور آلنده که خوتای نظامی را جایگزین دولت چپگرا و دموکراتیک آلنده کرد.
	•رییس‌جمهور ار وگونه، پارلمان را منحل کرد و کودتایی را علیه کشورش رهبری کرد.
۱۹۷۴	•نظامیان چپگرا در پرتغال در «انقلاب گل‌میخک» دیکتاتوری مارسل کانتانو را پایان دادند.
۱۹۷۵	کودتای نظامی در بنگلادش که در آن افسران جوان زیادی از ژنرال ضیا.الرحمن حمایت کردند تا دولت شیخ‌مجیب‌الرحمن را سرنگون کنند.
۱۹۷۶	• سرهنگ یه جیان یینگ و یکی از رهبران سیاسی یعنی هو گو فنگ کودتایی را علیه دسته چهار نفره به رهبری بیوه مانوتسه تونگ، ژیانگ کینگ، طرح ریختند که به بازگشت دنگ زیائو پنگ و آغاز عصر اصلاحات در چین منجر شد.
۱۹۷۷	کودتای ژنرال ضیا.الحق در پاکستان علیه دولت مدنی. متعاقب این کودتا ذولفقار علی بوتو در سال ۱۹۷۹ اعدام شد.
۱۹۷۷	۲۱۰ کودتا ناموفق در زمان ژنرال ضیا.الرحمن در بنگلادش به وقوع پیوست. او در مجموع دوهزارو ۵۰۰ سرباز و افسر نظامی را در جریان این کودتاها به قتل رساند.
۱۹۷۹	کودتای نظامی در کرهجنوبی که به تاسیس جمهوری توسط چون دو هوآن انجامید.
۱۹۸۱	•رییس‌جمهور آفریقای مرکزی، دیوید داکو طی کودتایی آرام‌که نرال آندره کولینگبا رهبری می‌کرد، از قدرت کنار گذاشته شد.
۱۹۸۲	کودتای نظامی در بنگلادش به رهبری حسین محمد ارشاد که دولت قانونی و دموکراتیک عبدالستار را ساقط کرد.
۱۹۸۳	کودتای نظامی در گرانادا به رهبری هودسون آستین و دخالت ایالات‌متحده آمریکا
	کودتای بدون خونریزی در فیجی به رهبری استیون رابوکا، که علیه نخست‌وزیر این کشور شکل گرفت
۱۹۸۷	پس از حکومت موقت نظامی‌ها در سپتامبر این سال رابوکا مجدداً کنترل کشور را ب‌دست گرفت، ملکه الیزابت را سرنگون و اعلام جمهوری کرد.
	کودتای بدون خونریزی در تونس به رهبری ژنرال زین‌العابدین بن علی که در آن زمان نخست‌وزیر بود.
۱۹۸۹	کودتای موفقیت‌آمیز در پاراگونه علیه آلفردو استرونسنر به رهبری آندره رودریگز.
	•در هایتی گروه مسلحFRAPH رئیس‌جمهور قانونی کشور ژان برتراند آریستید را سرنگون کرد و خوتای نظامی را جایگزین آن ساخت. تا زمانی که آریستید دوباره با چراغ سبز آمریکا به کشور بازگشت.
۱۹۹۱	کودتای نظامی در تایلند که به حادثه شوم «می سیاه» معروف شد.
	کودتای نظامی در گرجستان و سرنگونی رئیس‌جمهور گامساحور دیا.
	کودتای نظامی در مالی که به سقوط موسا ترانوره انجامید.
۱۹۹۲	کودتای نظامی در الجزایر که انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال را لغو و رئیس‌جمهور وقت را وادار به استعفا کرد.
	•رئیس‌جمهور روسیه، بوریس یتسین، طی کودتایی خشونت‌آمیز پارلمان را منحل کرد.
۱۹۹۳	• رئیس‌جمهور آذربایجان، ابوالفضل ایلیچی‌بگ طی کودتایی سرنگون شد.
۱۹۹۷	کودتای نظامی غیرمستقیم در ترکیه. این کودتا را «پست‌مدرن» می‌دانستند و یکی از ژنرال‌های بلندپایه آن را رهبری کرد. با این حال پارلمان منحل نشد و تنها نخست‌وزیر استعفا داد.
۱۹۹۹	کودتای نظامی در پاکستان، ارتش از اطاعت از نخست‌وزیر، نواز شریف سرباز زد. ژنرال پرویز مشرف به ریاست‌جمهوری رسید و نواز شریف را به عربستان تبعید کرد.
	کودتای نظامی در اکوادور که نخستین کودتای قرن ۲۱ بود با تظاهرات بومی‌ها علیه سیاست‌های اقتصادی دولتی آغاز شد. کلنل لوسیو گوتیرز به معترضان اجازه داد کنگره ملی را تسخیر کنند.
۲۰۰۰	خوتای نظامی بمطور موقت قدرت را به دست گرفت. کلنل گوتیرز در انتخابات ۲۰۰۲ به ریاست جمهوری رسید.
۲۰۰۲	متلاش نافرجام برای کودتا در ونزوئلا که تنها ۴۷ ساعت طول کشید. هوگو چاوز برکنار شد و پارلمان و دادگاه‌عالی کشور منحل شدند. و قانون اساسی نیز معلق شد. پدرو کارمونا به عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده شد.
۲۰۰۳	کودتای ناموفق در فیلیپین توسط افسرهای دست راستی که به ماکدالو (پاچی) معروف شدند.
۲۰۰۴	کودتای نظامی در این سال در هایتی منجر به برکناری ژان برتراند آریستید در دومین دوره ریاست‌جمهوری‌اش شد و به آمریکا رفت. آریستید عزیمتش را آدهربایی توصیف کرد.
۲۰۰۵	کودتا در اکوادور به برکناری رئیس‌جمهور آن کشور منجر شد.
	کودتای نظامی در موریتانی رئیس‌جمهور آن کشور را ساقط کرد. دولت جدید را گروهی از افسران نظامی به رهبری الی اولد محمد وال، تأسیس کردند
	این گروه شورای نظامی عدالت و دموکراسی را به عنوان شورای حاکمیت، شکل دادند.
۲۰۰۶	•نیروهای مسلح در فیلیپین رئیس‌جمهور را برکنار و حکومت نظامی ایجاد کردند.
	•جبهه متحد تغییر دموکراتیک در چاد، نیروهای نظامی را برای کودتا و سرنگونی رئیس‌جمهور ادریس دیب، تحریک کرد.
	•شورش‌های فیلیپینی که توسط سیاستمدار اپوزیسیون به نام آنتونیو تریلانس رهبری می‌شدند، سعی کردند علیه ولت کودتا کنند.
۲۰۰۷	•در ترکیه برای کودتایی علیه دولت تلاش شد که به «ای–کودتا» معروف شد که خاطره کودتای «پست‌مدرن» را زنده کرد. ژنرال‌های ارتش اولتیماتومی به حزب عدالت و توسعه دادند که عبدالملک را به‌عنوان رئیس‌جمهور نخواهند پذیرفت. با این همه آن کودتا شکست خورد و عاملان آن به دادگاهی کشیده شدند که همین هفته گذشته به فرجام رسید.
۲۰۰۹	•در ماداگاسکار، ارتش یکی از کاخ‌های ریاست جمهوری را زمانی که رئیس‌جمهور در کشور نبود اشغال کرد. پیشنهاد رئیس‌جمهور برای فراندوم پذیرفته نشد و سرانجام در ۱۷ مارس با فشار نظامی‌ها استعفا داد.
	•در هندوراس، ارتش یکی از کاخ‌های ریاست جمهوری را تصرف کرد و رئیس‌جمهور مانوئل زلیا را ربود.
۲۰۱۰	کودتای نظامی در نیجریه که توسط ژنرال سانولو جیبو و منجر به برکناری محمد تنجا شد. اپوزیسیون در انتخابات بعدی پیروز شد و به قدرت رسید.
۲۰۱۲	کودتای نظامی در مالی که توسط سربازان کاپیتان آمادو سانوگو ترتیب داده شد رئیس‌جمهور آمادو توماچ توره را برکنار کرد.
۲۰۱۳	ژنرال عبدالفتاح السیسی، با حمایت میلیون‌ها نفر مردم ناراضی از حکومت اخوان المسلمین، علیه محمد مرسی نخستین رئیس‌جمهور منتخب این کشور کودتا کرد. مرسی پس از آن به زندان منتقل شد و در انتظار دادگاه است.

جهان

نگاه

پایان رویای عثمانی‌گری ترکیه

هیچ‌کس انتظار نداشت اخوان المسلمین به این زودی سقوط کند. آن هم بعد از سخنان «عبدالفتاح السیسی» وزیر دفاع در روز دوازدهم می در برابر هنرمندان که در آن بر ایجاد یک راه‌حل توافقی و مسالمت‌آمیز بین نظام حاکم و مخالفان تأکید داشت. او در آن سخنرانی گفت: «اگر ارتش به خیابان بیاید تا نظام را عوض کند، مصر ۴۰سال به عقب برخواهد گشت» بنابراین دیگران را تشویق می‌کرد که بدون دخالت ارتش به توافق برسند و می‌گفت ۱۵ ساعت در صف جلوی صندوق‌ها ایستادن بهتر از این است که کشور ویران شود. این خود بهترین نشانه‌ای است بر اینکه برکناری رئیس‌جمهور «مرسی» یک اقدام ملی و در پاسخ به خواسته‌های مردم بوده است نه توطئه‌ای ازپیش‌طراحی‌شده وگرنه السیسی به این صراحت نمی‌گفت به فکر کودتای نظامی نباشید. اخوان‌المسلمین فرصتی طلایی برای حکومت داشت و اگر حتی به شیوه «رجب طیب اردوغان» رفتار می‌کرد می‌توانست برای ده‌ها سال در مصر فرمانروایی کند. اردوغان تنها کسی بود که از حوادث سی‌ام ژوئن مصر برآشفقت و برعکس سایر رهبران جهان آن را کودتا نامید و علیه نظامیان مصری حرف زد. او به کودتاهای ترکیه اشاره کرد و وعده داد که رهبران کودتاها حتی اگر زمانی هم بر آنها گذشته باشد روزی محاکمه خواهند شد.

به نظر می‌رسد خشم و عصبانیت اردوغان به دلیل عملکرد بد اخوان‌المسلمین بود. دلیل دیگرش اینکه اردوغان دریافت با شکست اخوان در مصر دیگر آن رویای عثمانی‌گری در منطقه به پایان رسیده است. رویای عثمانی‌گری به بلندپروازی‌های اردوغان برای احیای امپراتوری عثمانی گفته می‌شود که در سال ۱۹۲۷ به‌وسیله «کمال اتاتورک»



از بی‌زن رفت. از سوی دیگر این سراسیمگی اردوغان ناشی از نگرانی او در داخل ترکیه بود و می‌ترسید که ارتش ترکیه نیز دست به اقدامی مشابه در این کشور بزند.

اردوغان خود به چشم دیده بود که چگونه ارتش علیه نخست‌وزیری «نجم‌الدین اربکان» پدر معنوی اسلام سیاسی در ترکیه کودتا کرد و او را سرنگون ساخت. اربکان کسی بود که با رسیدن به نخست‌وزیری خواستار نزدیکی به ایران و فاصله گرفتن از فکر به گفته خودش «غرب کافر» بود. چند ماه بعد از برکناری اربکان بود که اردوغان در سخنانی بین طرفدارانش گفت: «مساجد ما پادگان‌های ما گلدسته‌ها سرنیزه‌های ما و نمازگزاران سربازان ما هستند» اردوغان به‌خاطر بیان این سخنان به زندان افتاد. اما چهارماه بعد آزاد شد و بعدها در سال ۲۰۰۳ توانست در ترکیه به نخست‌وزیری برسد. طی ۱۰سال گذشته وی توانست روزنامه‌نگاران بسیاری را به زندان اندازد و جلو آزادی بیان را بگیرد و در قلمن اساسی دست برد. آن هم به این دلیل که قانون اساسی فعلی امکان نامزدی او را برای نخست‌وزیری آینده مجاز نمی‌دانست. اما در عین حال او دستاوردهای مهمی در زمینه اقتصادی داشت که برای هیچ‌کس قابل انکار نیست.

اخوانی‌ها در مصر نیز تمام تلاششان این بود که قدرت را قبضه کنند و رسانه‌ها را در خدمت خودشان درآورند. اما وضعیت اقتصادی کشور فاجعه‌بار بود و آنها برای حل این مشکل هیچ کاری نکرده بودند.

منبع:**الانهارام**

ادامه از صفحه ۷

نبرد تاکتیسین‌ها و تئوریسین‌های کودتا

غرب آفریقا بیشترین کودتاها را تجربه کرده است. ۴۲کودتا علیه رژیم‌های مدنی و ۲۷کودتا علیه رژیم‌های نظامی. به اعتقاد «ساموئل هانتینگتون» دانشمند علوم سیاسی کودتاها را باید به سه قسمت تقسیم کرد: نخست – **کودتاهای اساسی و کامل**: در این کودتا ارتش انقلابی دولت سنتی را سرکوب می‌کند و نخبگان بروکراتیکی خلق می‌کند.

این کودتا توسط افسران در سطوح متوسط صورت می‌گیرد. مانند کودتای سال ۱۹۱۱ میلادی چین، ۱۹۴۴میلادی بلغارستان، ۱۹۵۲میلادی مصر، ترکیه در ۱۹۶۰، یونان در ۱۹۶۷، لیبی در ۱۹۶۹، پرتغال در ۱۹۷۴ (ولیبیریا در ۱۹۸۰. دوم –**کودتاهای خبرخواهانه**: هدف اصلی آن اصلاح امور کشور و بهبود بهره‌وری و مبارزه با فساد است. هیچ تغییر اساسی در ساختار قدرت در این نوع کودتا به چشم نمی‌خورد. رهبران این نوع کودتا اقدام خود را به عنوان ضرورتی موقت توصیف می‌کنند.

نمونه قدیم این نوع کودتا،مقالیه «سلا» سردار رومی یا «اماریوس» بود و نمونه جدید آن کودتاهای پاکستان، ترکیه، تایلند و موارد مکرر در سوریه و بولیوی.

سوم –استفاده کودتاگران از حق وتو ارتش و ارتشیان است به قصد مقابله و سرکوب مشارکت مردم در کسب حقوق سیاسی و اجتماعی‌شان.

در این نوع کودتا ارتش به مقابله با مردم می‌پردازد و مردم را در مقیاس وسیع سرکوب می‌کند.

مانند کودتای ۱۹۷۳میلادی شیلی علیه «سالوادور آلنده» رئیس‌جمهور سوسیالیست شیلی و کودتای ۱۹۷۶میلادی آرژانتین و تا حد زیادی کودتا در ونزوئلا در سال۲۰۰۲میلادی.

کودتای نوع دوم و سوم به وسیله افسران ارشد شکل می‌گیرد و باتیان نوع اول افسران رده پایین و سربازان هستند.

بسیاری از کودتاها اگرچه در همان وهله اول به موفقیت در کسب قدرت می‌انجامند اما با مخالفت بخش‌هایی از جامعه یا جوامع بین‌المللی روبه‌رو می‌شوند.این مخالفت به‌اشکال مختلف جلوه می‌کند:از جمله اقدامات ضدکودتا توسط بخش‌هایی از گروه‌های مسلح، انزوای بین‌المللی رژیم جدید یا مداخله نظامی. گاهی این مخالفت‌ها با تظاهرات توده‌ای از مردم و ناقرسانی در میان کارمندان دولت و اعضای نیروهای مسلح جلوه می‌کند.

این مورد را البته مالاپارته در «فن کودتا» متذکر می‌شود و دلیل این ناکامی را نبودن فن لازم در کودتا معرفی می‌کند. او برای این مورد اشاره‌ای به کودتای بلشویک در سال ۱۹۱۷ و مدل فنی و تاکتیکی تروتسکی در آن سال اشاره می‌کند که به‌خوبی با مقابله استالین با استناد به تاکتیک مهار شورش‌های تاکتیکی از کار می‌افتد. مالاپارته به کودتای نافرجام کاپ در برلین در سال ۱۹۲۰ هم اشاره می‌کند و می‌نویسد ناکامی آن کودتا بیشتر مشکل فنی داشت نه مشکل سیاسی.

کودتا و انقلاب

مالاپارته در کتابش می‌نویسد که کودتا هیچ ربطی به مهیاشدن زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ندارد. به عقیده این نویسنده پشت همه این موارد موضوع نظم و ترتیب فنی برای کودتاست که از اهمیت زیادی برخوردار است. در ادامه این مطلب هم اشاره شده، واضح است که صنعتگران در هر زمینه، پست، خبازات، کارخانه‌ها و بانک‌ها از کودتا ضرر می‌کنند. به عقیده او در اروپای تحول‌خواه و اروپایی که مخالف تحول است خطری که تاکتیسین‌هایی مثل تروتسکی به وجود می‌آورند بیشتر از خطری است که تئوریسین‌هایی مثل لنین بهار می‌آورند. البته این نظر به چندان به مذاق دول مختلف خوش نمی‌آید و حتی خود تروتسکی هم از این تز که کودتا هیچ ربطی به شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ندارد حمایت می‌کند. کودتا برخلاف انقلاب که معمولاً توسط تعداد زیادی از مردم برای تغییر اساسی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد، تغییر در قدرت بالادستی و جایگزینی پرسنل خود در دولت است. کودتا به ندرت سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی اساسی یک ملت را تغییر می‌دهد. کودتا در آمریکای لاتین در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ و در آفریقا پس از دهه ۱۹۶۰ و با استقلال کشورها اتفاق افتاد. کودتا اقدام گروه محدودی از نیروهای حاکم برای رسیدن به قدرت و کنار نهادن حاکمی است که در راس قدرت قرار دارد. با وجود نقاط مشترک میان انقلاب و کودتا تفاوت‌هایی نیز میان این دو وجود دارد:

یک– کودتاچیان از پیکره قدرت حاکم برمی‌خیزند و پایگاه مردمی ندارند، در حالی که عنصر اصلی تشکیل‌دهنده انقلاب خود مردمند که در مقابل قدرت حاکم قرار می‌گیرند. کودتا در جوامعی روی می‌دهد که ارتش نقش ویژه‌ای در برابرس ملت دارد اما در جوامعی که انقلاب در آن رخ می‌دهد مردم نقش اول را بر عهده دارند.

دو– در کودتا ارزش‌ها و زیرساخت‌ها تغییر نمی‌یابند بلکه در درون نظام گروهی به جای هیات حاکم می‌نشینند و حداکثر به القای قوانین مخالف خود می‌پردازند.

سه –در کودتا به دلیل برخاستن کودتاچیان از پیکره اصلی نظام، برابناری و جایگزینی و شروع به سازندگی تقریباً هم‌زمان و بدون فاصله زمانی رخ می‌دهد. در کودتا اصولاً عوامل بیگانه دخالت دارند اما در انقلاب فاعلتا چنین چیزی ممکن نیست.

